

## جایگاه زمانی نفخ صور در قرآن؛ کاوشی جهت دستیابی به تصویر قرآنی از مقاطع آینده

فرهاد احمدی آشتیانی \*

نهله غروی نائینی \*\*

محمد مهدی ذوالفقارزاده \*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۱/۰۱

### چکیده

در دست داشتن تصویری روشن و صحیح از آینده بسیار حائز اهمیت است. با آنکه آیات پرشماری از قرآن کریم نیز به توصیف مقاطع زمانی آینده و رویدادهای عظیم پیش رو پرداخته‌اند، هنوز ترسیمی دقیق، روشن و یکتا بر پایه قرآن و روایات صحیح از حوادث آینده و آنچه بشریت به استقبال آن می‌رود، در دست نیست. در این میان پرداختن به موضوع «نفخ صور» نقش محوری در ترسیم مقاطع زمانی در پیش رو، از جمله ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و قیامت دارد. چرا که براساس آیات قرآن کریم، به دنبال هر نفخ صور تحولاتی عظیم در پهنه‌ای گسترده که تمام آسمان‌ها و زمین را در برمی‌گیرد، رخ می‌دهد. تا جایی که شرایط قبل و بعد هر نفخ صور به‌عنوان یک نقطه عطف در سیر مقاطع زمانی پیش روی بشریت، بسیار با هم متفاوت است. بررسی آیات مربوط به نفخ صور در قرآن کریم نشان می‌دهد که در قرآن از سه نفخ صور متفاوت با پیامدهای گوناگون در مقاطع زمانی آینده صحبت شده است. با تمرکز بر جایگاه زمانی سه نفخ صور یادشده که همگی در آینده به وقوع خواهند پیوست و تأکید بر ترتیب به‌وقوع پیوستن این نفخه‌ها بر روی خط سیر زمان، این سه نفخ صور به ترتیب زمانی عبارت‌اند از: نفخ صور فزع (بعد از ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه)، نفخ صور اماته (قبل از قیامت) و نفخ صور احیاء (در آستانه برپایی قیامت).

کلیدواژه‌ها: نفخ صور، نفخه فزع، نفخه اماته، نفخه احیاء، آینده‌پژوهی قرآنی.

\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران (نویسنده مسؤول). Farhadahmadi@ut.ac.ir

\*\* استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس. Naeeni\_n@modares.ac.ir

\*\*\* استادیار دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران. Zolfaghar@ut.ac.ir

## مقدمه

پرداختن به آینده و به دست آوردن ترسیمی روشن و صحیح از صحنه‌های پیش‌رو، بسیار حائز اهمیت است. آیات پرشماری از قرآن کریم نیز به ترسیم مقاطع زمانی آینده و توضیح مبسوط رویدادهای عظیم پیش‌رو و توصیف احوال و سرانجام انسان‌ها در آن رویدادها اختصاص داده شده‌اند که این خود پرده از اهمیت پرداختن به این موضوع برمی‌دارد؛ اما تتبع در میان آثار گوناگون نشان می‌دهد که هنوز ترسیم دقیق، روشن و یکتایی بر پایه آیات قرآن کریم و روایات صحیح از حوادث آینده و آنچه بشریت به استقبال آن می‌رود، در دست نیست. این موضوع لزوم عمق‌بخشی به مطالعه در این حوزه و ضرورت غنی‌سازی معارف قرآنی و روایی پیرامون آینده پیش‌رو را آشکار می‌کند.

«نفخ صور» یکی از موضوعاتی است که قرآن کریم در میان ذکر حوادث آینده به آن پرداخته است. به دنبال هر نفخ صور حوادثی عظیم در پهنه‌ای گسترده که گاه تمام آسمان‌ها و زمین را در برمی‌گیرد، رخ می‌دهد. در حقیقت با هر بار دمیدن در صور مقطع زمانی جدیدی، با شرایطی کاملاً متفاوت با آنچه پیش از آن بوده، آغاز می‌گردد که قرآن کریم از آن با عنوان «نشئه» یاد می‌کند.<sup>۱</sup> مانند برپایی صحنه عظیم رستاخیز که به دنبال دمیده شدن در صور آغاز می‌گردد. از همین رو پرداختن به موضوع نفخ صور جهت ترسیم مقاطع زمانی آینده اهمیت به‌سزایی می‌یابد؛ اما در میان آثار تفسیری دیدگاه‌های متفاوتی بر سر تعداد نفخه‌های

صور، زمان و ترتیب وقوع آنها و پیامدهای هرکدام از آنها به چشم می‌خورد.

بررسی آیات مربوط به «نفخ صور» در قرآن کریم و آثار تفسیری و روایی در ارتباط با این موضوع، به‌منظور کشف زمان و ترتیب به‌وقوع پیوستن این نفخه‌ها بر روی خط سیر زمان در کانون توجه پژوهش حاضر قرار دارد. از همین رو پرداختن به چرایی برپایی و بررسی شرایط پیشینی و پسینی هرکدام از نفخه‌ها خارج از حوزه اصلی این پژوهش است. این نوشتار ضمن طرح پیچیدگی نهفته در تعیین موقعیت زمانی رخدادهای آینده در قرآن کریم و بعد از معنائشناسی واژه‌های مطرح‌شده در بحث، به جایگاه‌یابی زمانی نفخه‌های صور براساس آیات قرآن کریم پرداخته است. این بررسی نشان می‌دهد در قرآن کریم از سه نفخ صور در سه موقعیت زمانی مختلف سخن به میان آمده است. در بین این سه نفخ صور، دو نفخه قبل از برپایی قیامت و در دنیا رخ خواهند داد که این خود بر اهمیت پرداختن به این موضوع از دیدگاه آینده‌پژوهی قرآنی می‌افزاید.

پیچیدگی تعیین موقعیت زمانی رخدادهای آینده در قرآن

در میان آثار مفسران مسلمان و خصوصاً مفسران اهل سنت، در تعیین مصداق برای آیاتی که به توصیف وقایع آینده پرداخته‌اند و همچنین ترتیب زمانی بین این وقایع نوعی درآمیختگی به چشم می‌خورد. سابقه این درآمیختگی‌ها تا دوران حضور امامان شیعه علیهم السلام امتداد می‌یابد. به‌عنوان نمونه در تفسیر آیه «و یوم نحشرو من کل امة فوجاً ممن یکذب باياتنا فهم

۱. «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْسِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (عنکبوت/۲۰).

اهل سنت بیشتر به چشم می‌خورد. دلیل این موضوع را می‌توان در سیاست خلفاء و حاکمان بنی‌امیه مبنی بر عدم ثبت سنت منقول و احادیث نبوی که منجر به از دست دادن بسیاری از قرائن فهم آیات قرآن شد، جستجو کرد. هرچند که جو سیاسی حاکم علیه امامان شیعه علیهم السلام نیز باعث شده تا محدودیت‌هایی برای نشر معارف توسط اهل بیت علیهم السلام به وجود آید.

علت دوم این درآمیختگی را می‌توان مشابهت‌ها و وحدت سنخیتی دانست که بر وقایعی که در آینده رخ خواهند داد، حاکم است. از جمله این شباهت‌ها می‌توان به متنعم شدن خوبان و عذاب بدان در دوران حکومت امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه اشاره کرد که در قیامت به صورت عظیم‌تری با قرار گرفتن خوبان در بهشت و بدان در جهنم رخ خواهد داد. همچنین می‌توان به رجعت برخی از مردگان در دوران ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه اشاره کرد که در قیامت در قالب حشر تمام مردگان به صورت عام و فراگیر به وقوع خواهد پیوست. علاوه بر این اجرای عدالت و انتقام از ظالمان و آشکار شدن مسائل پنهان مانند نفاق منافقان، از جمله موضوعاتی هستند که در دوران ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه و به طور گسترده‌تر در قیامت به وقوع می‌پیوندند. این شباهت‌ها باعث شده تا برخی از مفسران سه واقعه ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه، رجعت مردگان و برپایی قیامت را مراتبی از ظهور حق بدانند. با این بیان که این سه معنا بر حسب حقیقت متحد هستند و اختلاف آنها در مراتب ظهور آنها است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰۹/۲).

با توجه به وحدت سنخیت بین وقایع در پیش

یُوزَعُونَ» (نمل/۸۳)، امام صادق علیه السلام ضمن مردود دانستن نظر عامه مبنی بر اینکه حشر مطرح شده در این آیه مربوط به قیامت است، با بیان این پرسش که «چگونه ممکن است خداوند در قیامت تنها گروهی را محشور گرداند و دیگران را رها کند؟» این حشر را مربوط به دوران رجعت‌ها دانسته‌اند و آیه «وَيَوْمَ نُسِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (کهف/۴۷) را که در آن به حشر تمام انسان‌ها بدون آنکه حتی احدی فروگذار شود اشاره شده است، مربوط به قیامت دانسته‌اند؛ فقال الرجل لأبي عبد الله عليه السلام: إن العامة تزعم أن قوله: وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا، عنى فى القيامة، فقال أبو عبد الله عليه السلام: «أفيحشر الله من كل أمة فوجا و يدع الباقيين؟! لا و لكنه فى الرجعة و أما آية القيامة فهى: وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (بحرانی، ۱۳۷۴: ۲۲۸/۴).

همچنین ایشان در تفسیر آیه «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» (شوری/۲۰)، واژه «الآخِر» را ناظر به دولت حق در زمان امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه برشمرده‌اند و فرموده‌اند: «لیس له فى دولة الحق مع القائم نصيب؛ برای او در دولت حق همراه با امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه نصیبی نیست» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۳۶/۱). در حالی که در تفسیرهای شیعی (طوسی، بی‌تا: ۱۵۶/۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۱۳/۱۷؛ شریف لاهیجی: ۱۳۷۳: ۴۳/۴) و اهل سنت (محلّی، سیوطی، ۱۴۱۶: ۴۸۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۴/۲۵) این آیه مربوط به قیامت دانسته شده است.

این پیچیدگی و درآمیختگی در آثار تفسیری

از آیات تمرکز شود و با به دست آوردن تصویری زمانی از این آیات تلاش شود تا گام به گام این تصویر توسط سایر آیات کامل تر گردد. از همین رو تمرکز آیات مورد بررسی در نوشتار حاضر، آیات ۶۸ سوره زمر و ۸۷ سوره نمل خواهد بود.

#### معناشناسی واژه‌های مورد بحث

قبل از ورود به مباحث استدلالی، ضروری است معانی واژه‌هایی که در موضوع بحث آمده است تبیین و تمایزدهی شود. توجه به تفاوت معانی این واژگان راه را برای تفکیک و تمایز قائل شدن بین نفخه‌های صور هموار خواهد کرد؛

#### ۱. صور

شیخ طوسی در کتاب تفسیر خود در معنای واژه صور دو قول را مطرح می‌کند؛ در قول اول که آن را به اکثر مفسران نسبت می‌دهد صور را به معنای شاخ (قرن) می‌داند. براساس این معنا، صور چیزی است شبیه به شاخ که اسرافیل در آن می‌دمد. شیخ طوسی این قول را به بلخی، جبائی، زجاج و طبری نسبت می‌دهد (طوسی، بی تا: ۱۷۴/۴). راغب نیز در کتاب مفردات این معنا را برای صور ذکر می‌کند: «هو مثل قرن ینفخ فیہ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۹۸). ابن منظور در کتاب لسان العرب نیز به این معنا اشاره کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۷۶/۴).

بنا بر نقل شیخ طوسی، برخی دیگر از مفسران مانند ابو عبیده و حسن بصری واژه صور را به معنای «صورت‌ها» دانسته‌اند (طوسی، بی تا: ۱۷۴/۴). بر این اساس «نفخ صور» به معنای دمیدن در ارواح است.

رو، می‌توان برای مفاهیم مطرح شده در بعضی آیات توصیفگر آینده چند مصداق در نظر گرفت که این خود بر پیچیده شدن فرایند تشخیص مصداق آیات آینده محور و چینش صحیح آنها در مسیر زمان افزوده است. علامه طباطبایی ذیل آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (بقره/۲۱۰)، بعد از اشاره به این نکته که در روایات شیعی این آیه به هر سه دوران رجعت مردگان، ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه و قیامت تفسیر شده است، چنین می‌نویسد: «نظایر این‌گونه روایات بسیار است، که اگر بخواهی کتب حدیث را صفحه به صفحه ببینی، خواهی دید که روایات بسیار زیادی از ائمه اهل بیت علیهم السلام در تفسیر بسیاری از آیات آمده، که یا فرموده‌اند: مربوط به قیامت است و یا فرموده‌اند: مربوط به رجعت است و یا فرموده‌اند: مربوط به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه و این نیست مگر به خاطر وحدت سنخیتی که در این سه معنا هست» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰۶/۲).

دو دلیل ذکر شده یعنی از دست دادن قرائن فهم آیات قرآن و وحدت سنخیت بین وقایع در پیش رو از یک طرف و گوناگون بودن پیامدهای برشمرده شده برای هر نفخ صور در قرآن از طرف دیگر، خاستگاه ایجاد دیدگاه‌های گوناگون میان مفسران بر سر تعداد و ترتیب زمانی نفخه‌های صور مطرح در آیات قرآن شده است. از آنجاکه این نوشتار به دنبال تعیین موقعیت زمانی نفخ صور است، در گام نخست به بررسی آیاتی می‌پردازد که در این راستا می‌تواند بیشتر راهگشا باشند. بر این اساس و با توجه به پیچیدگی این موضوع، مناسب است که ابتدا بر روی دایره محدودتری

طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۴۹۶) و ابوالفتوح در روض الجنان (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۳۵/۷) نیز به این دو معنا اشاره کرده‌اند. شیخ مفید نیز در کتاب تفسیر خود واژه صور را جمع صورت دانسته و مراد از آن را صورت‌های برزخی افراد شمرده است (مفید، ۱۴۲۴: ۳۴۰). بنا بر قول اول «صور» واژه‌ای مفرد است و بنا بر قول دوم این واژه را باید جمع دانست؛ اما اگر واژه صور جمع صورت باشد، مناسب بود تا ضمیر ارجاع دهنده به آن در آیه «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ» (زمر/۶۸)، به صورت مؤنث آورده شود. این در حالی است که خداوند به جای نُفِخَ فِيهَا فرموده است: «نُفِخَ فِيهِ»؛ بنابراین معنای اول مناسب‌تر به نظر می‌رسد (طوسی، بی تا: ۴/۱۷۴).

## ۲. فزع

ابن منظور فزع را به معنای ترس دانسته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸/۲۵۱) راغب در مفردات (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۵)، فیومی در مصباح (فیومی، ۱۴۱۴: ۲/۴۷۲) و طریحی در مجمع البحرین (طریحی، ۱۳۷۵: ۴/۳۷۵) نیز به همین معنا اشاره کرده‌اند. زبیدی نیز می‌نویسد: «أصل الفزع: الخوف» (زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۴۳/۱۱). در آیه «إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ» (ص/۲۲) نیز بعد از آنکه دادخواهان بر داوود علیه السلام وارد می‌شوند و او به حالت فزع درمی‌آید، به او گفته می‌شود که مترس! در این آیه نیز به روشنی ارتباط معنایی فزع و ترس مشخص است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه فزع را انقباض و

نفرتی که از منظره‌ای مخوف در دل حاصل می‌شود، معنا کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷/۱۹۱). ابوالفتوح رازی نیز فزع را به معنای ترس دانسته است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۶/۲۶۵). طبرسی نیز در تفسیر آیه «لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ» (انبیاء/۱۰۳)، این معنا را برای فزع مناسب دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/۱۰۳). بر این اساس فزع عبارت از مطلق خوف و ترسی است که از دیدن یک صحنه بر انسان عارض می‌شود و معنای آن با مفهوم موت یا هلاک شدن همراه نیست.

## ۳. صعق

دانشمندان لغت برای واژه صعق دو معنای بی‌هوشی و مرگ ذکر کرده‌اند. به عنوان نمونه فراهیدی در العین می‌نویسد: «صُعِقَ صَعَقًا: غَشِيَ عَلَيْهِ مِنْ صَوْتٍ يَسْمَعُهُ أَوْ حَسَّ أَوْ نَحَوْهُ وَصَعِقَ صَعَقًا: مَاتَ» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱/۱۲۹). ابن منظور نیز در لسان العرب این دو معنا را برای این واژه ذکر کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰/۱۹۸). علامه طباطبایی صعق را به معنای مرگ و بیهوشی و از کار افتادن حواس و بطلان ادراک دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸/۲۳۷).

مطابق آیه شریفه ۱۴۳ سوره اعراف، موسی علیه السلام بعد از مشاهده تجلی رب بر کوه به حالت «صعق» بر زمین می‌افتد؛ «فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ». اگرچه طبرسی در تفسیر این آیه با اعتقاد به اینکه عبارت «فَلَمَّا أَفَاقَ» - که به معنای «چون به خود آمد» است - در مورد مردگان به کار نمی‌رود، معنای بی‌هوشی را صحیح دانسته است

یعنی حالت خوفی که از دیدن یک صحنه بر انسان عارض می‌شود.

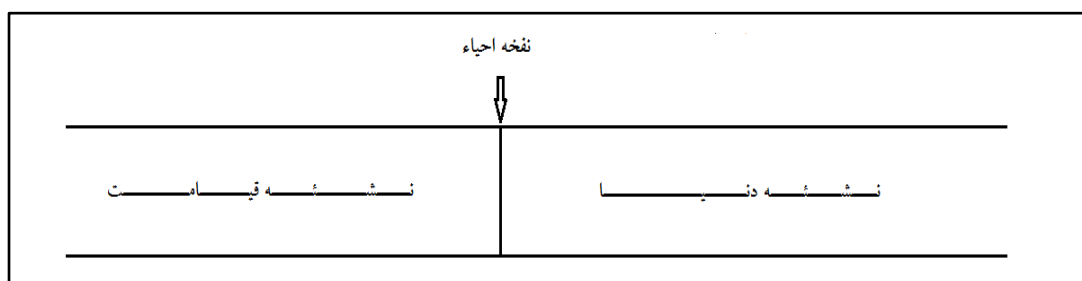
جایگاه زمانی نفخه‌های صور در آینده

#### ۱. تصویر ابتدایی

در یک تصویر ابتدایی که البته تصویر ارتکازی در ذهن بسیاری از دین‌مداران است، بعد از پایان یافتن دنیا، با دمیدن اسرافیل در صور، نشئه قیامت برپا شده و عموم انسان‌ها سر از قبر برآورده و برای حساب اعمال خویش در پیشگاه پروردگار حاضر می‌شوند. این تصور که در شکل شماره ۱ طرحی از آن نشان داده شده است، حالتی کلی و ابتدایی دارد. به این معنا که بسیاری از وقایعی که در آینده رخ خواهند داد و در قرآن و روایات به تفصیل به آنها پرداخته شده است، در آن جایگاهی نمی‌یابند.

(طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۳۲/۴)؛ اما شیخ طوسی در تبیین (طوسی، بی‌تا: ۵۳۷/۴) و نیز علامه طباطبایی در *المیزان* (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۳۸/۸) هر دو معنای بی‌هوشی و موت را برای این آیه درست دانسته‌اند.

در آیه ۶۸ سوره زمر نیز واژه صعق به کار رفته است. براساس این آیه به دنبال دمیده شدن در صور تمام اهل آسمان‌ها و زمین به حالت صعق درمی‌آیند. راغب در *مفردات* صعق را در این آیه به معنای موت دانسته است (راغب، ۱۴۱۲: ۴۸۵). علامه طباطبایی نیز با توجه به اینکه در دومین نفخ صور مطرح در این آیه شریفه افراد از حالت صعق احیاء می‌شوند، صعق را در مقابل حیات و به معنای موت گرفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۹۳/۱۷). بر این اساس در آیات قرآن کریم، صعق به معنای موت یا بی‌هوشی به کار رفته است و این دو معنا به کلی متفاوت با معنای واژه فزع است



شکل ۱. تصویر ابتدایی از مقاطع در پیش‌رو

مَنْ شَاءَ اللَّهُ» استثناء شده‌اند - حالت صعق یا موت پیش می‌آید. با توجه به این پیامد، این نفخه «نفخه امانت» نامیده می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵: ۲/۴۴۵). بعد از آن و با نفخه دوم تمام این افراد به پا خاسته و نظاره‌گر می‌شوند. این نفخه که بر اثر آن افراد زنده خواهند شد، «نفخه احیاء» نامیده می‌شود (همان)

#### ۴. نفخه امانت و نفخه احیاء

در آیه ۶۸ سوره زمر از دو بار دمیده شدن در صور به دنبال هم صحبت شده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در مقاطع زمانی پیش رو حداقل دو نفخ صور وجود دارد. طبق این آیه با نفخ صور اول برای تمام اهل آسمان‌ها و زمین - جز گروهی که با عبارت «إِلَّا»

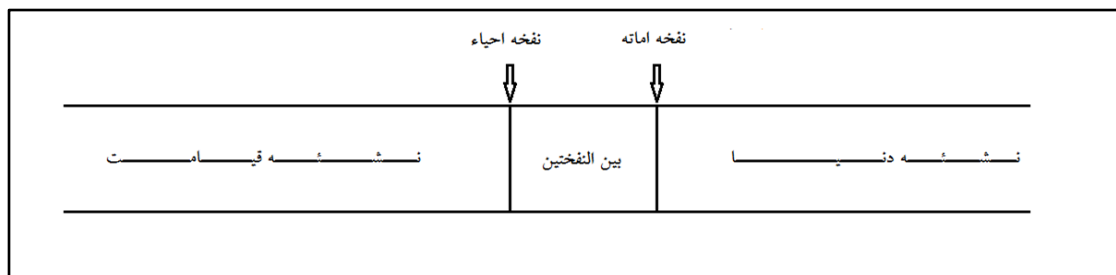
۳۰۰/۱). شرایط و اوضاع این دوران به کلی متفاوت با دوره زمانی قبل و بعد از این دو نفخه است. از همین رو بسیاری از مفسران از این دوران در مقابل نشئه دنیا و نشئه قیامت به عنوان نشئه مستقلی یاد کرده‌اند. در روایات اهل بیت علیهم السلام از این نشئه با عنوان «بین النفختین» یاد شده است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۵۰/۲؛ بحرانی، ۱۳۷۴: ۷۳۱/۴؛ العروسی، ۱۴۱۵: ۵۰۳/۴). این عنوان در بسیاری از آثار تفسیری شیعی (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۷۲/۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۰۱/۱۳؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۲۶۷/۲) و همچنین آثار تفسیری اهل سنت نیز (آلوسی، ۱۴۱۵: ۴۳۱/۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۰۶/۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۷۹/۲۲) به این نشئه اطلاق شده است.

بررسی روایاتی که به توصیف دوران بین‌النفختین می‌پردازند، نشان می‌دهد که خداوند در این دوران تحولاتی را مانند به حرکت درآوردن آسمان‌ها، از میان بردن کوه‌ها و گسترش دادن زمین رقم می‌زند تا این پهنه را برای برپایی صحنه عظیم قیامت آماده سازد و سپس با نفخه احیاء تمام خلائق را برای قرار گرفتن در محشر قیامت زنده می‌گرداند (قمی، ۱۴۰۴: ۲۵۲/۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۵۰/۲). جایگاه زمانی نفخ صور اماته و نفخ صور احیاء و سه نشئه دنیا، بین‌النفختین و قیامت در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

همچنین با توجه به نص آیه شریفه، برخی از مفسران نفخه اول را «نفخه صعق» و نفخه دوم را «نفخه قیامت» نیز نامیده‌اند (میبدی، ۱۳۷۱: ۴۳۶/۸؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۴۷۶/۲۷؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۱۲۹/۵).

برخی از مفسران براساس این آیه تنها قائل به دو نفخ صور هستند. در دیدگاه ایشان دو دمیده شدن در صور وجود دارد که در دو نقطه از خط سیر زمان جای خواهند داشت؛ نفخه اول در انتهای دنیا خواهد بود که باعث هلاکت تمامی خلائق در پهنه آسمان‌ها و زمین می‌شود و نفخه دوم که به دنبال دمیدن در آن قیامت آغاز می‌گردد و همه خلائق برانگیخته خواهند شد. در میان مفسران شیعی شیخ طوسی (طوسی، بی‌تا: ۲۵۳/۱۰)، طبرسی (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۹۶/۴) و علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۹۳/۱۷) و در میان مفسران اهل سنت قرطبی (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۷۹/۱۶)، زحیلی (زحیلی، ۱۴۱۸: ۵۴/۲۴) و مراغی (مراغی، بی‌تا: ۳۳/۲۴) چنین دیدگاهی دارند.

با توجه به آنکه در فاصله بین دو نفخه اماته و احیاء تمام موجودات صاحب روح در آسمان‌ها و زمین، به جزء گروهی که مطابق آیه ۶۸ سوره زمر استثناء می‌شوند، در حالت موت قرار دارند و دگرگونی‌های عظیمی در آسمان‌ها و زمین در این فاصله زمانی رخ خواهد داد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۰۹/۳؛ قمی، ۱۴۰۴: ۲۵۲/۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۸:



شکل ۲. تصویر جایگاه زمانی دو نفخ صور با توجه به آیه ۶۸ سوره زمر

## ۲. نفخه فرع

قیامت هستند.

غور در آیات قرآن پیرامون نفخ صور آشکار می‌سازد که خداوند علاوه بر دو نفخه بالا، به نفخه دیگری در مقاطع پیش‌رو اشاره می‌کند که پیامدهای آن به کلی با پیامدهای دو نفخه اماته و احیاء متفاوت است. خداوند در آیه ۸۷ سوره نمل می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ﴾. با توجه به نص این آیه شریفه، پیامد این نفخ صور به حالت صعق درآمدن و مرگ، یا بعث و احیاء موجودات در پهنه آسمان‌ها و زمین نیست. بلکه به دنبال این نفخ صور افراد در آسمان‌ها و زمین به حالت فرح یعنی ترس (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۸۰/۱۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۹۹/۱۵) درمی‌آیند و بعدازآن به حالت خواری و فروتنی (بحرانی، ۱۳۷۴: ۲۳۱/۴؛ شبیبانی، ۱۴۱۳: ۱۳۴/۴) بر درگاه الهی وارد می‌شوند.

نفخه فرع غیر از نفخه احیاء است؛ زیرا در زمانی که این نفخ صور اتفاق می‌افتد، اهل آسمان‌ها و زمین زنده هستند و درک دارند و بر اثر این نفخه تنها به حال فرح می‌افتند. این در حالی است که پیش از نفخه احیاء افراد بر اثر نفخه صعق در حالت موت قرار دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۴۰/۱۴). تفاوت دیگر میان نفخه فرع و نفخه احیاء با مقایسه تحولات نظام آسمان‌ها و زمین بعدازاین دو نفخه مشخص می‌شود. در آیه ۸۷ سوره نمل و بعد از طرح نفخ صور فرع، هیچ اشاره‌ای به برجیده شدن نظام آسمان‌ها و زمین نشده است؛ اما آیه‌ای که وقایع و تحولات آغاز قیامت را که بعد از نفخه احیاء خواهد بود، تشریح کرده‌اند حاکی از برجیده شدن نظام آسمان‌ها و زمین در شروع برپایی

خداوند در آیه «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى» (احقاف/۳)، آسمان‌ها و زمین را جاودانه ندانسته بلکه برای آن سرآمد و اجلی تعیین کرده است که با فرا رسیدن آن نظام آسمان‌ها و زمین در هم ریخته و نابود خواهند شد. مفسران این اجل را فرا رسیدن روز قیامت دانسته‌اند.<sup>۲</sup> همچنین در آیه ﴿يَوْمَ تَبْدُلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ﴾ (ابراهیم/۴۸) خداوند به نابودی آسمان‌ها و زمین اشاره می‌کند. علامه طباطبایی این آیه را مربوط به برپایی قیامت دانسته و معنای آیه را این‌طور دانسته است: «روزی که زمین به غیر این زمین و آسمان‌ها به غیر این آسمان‌ها تبدیل می‌شوند» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸۸/۱۲). علاوه بر این در آیه ﴿مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى﴾ (فرقان/۲۵) که در آن به توصیف قیامت پرداخته شده، صحبت از شکافتن و نابود شدن آسمان و نزول ملائکه است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۲/۱۵). طبرسی به نقل از ابن‌عباس شکافته شدن آسمان را مربوط به تمام آسمان‌های هفت‌گانه دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۶۳/۷).

آیات دیگر قرآن نیز به نابودی آسمان‌ها،

۲. رجوع کنید به (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۱/۵؛ قمی، ۱۳۶۸: ۱۷۰/۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲۴/۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸۶/۱۸؛ شبیبانی، ۱۴۱۳: ۱۰/۵؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۹۷/۳؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۴۳۱/۹؛ محلی، سیوطی، ۱۴۱۶: ۵۰۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۶۲/۱۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۹۴/۴).

۳. ﴿فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ﴾ (رحمان/۳۷)، ﴿وَ انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ﴾ (حاقة/۱۶)، ﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ﴾ (انفطار/۱).



ستارگان<sup>۴</sup>، زمین<sup>۵</sup> و ماه<sup>۶</sup> نیز در آستانه برپایی قیامت اشاره دارند. بر این اساس با توجه به اینکه بعد از نفع صور فزع نظام آسمانها و زمین بر جای خود استوار است، این نفعه را نمی‌توان نفعه احیاء دانست. براساس همین قرائن و مقایسه بین آیات قران کریم، برخی از مفسران شیعه (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۷۸/۱۵؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۴۴۶/۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۰۰/۱۵) و اهل سنت (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۱۱۳/۲؛ محلی، سیوطی، ۱۴۱۶: ۳۸۷) این نفعه را غیر از نفعه احیاء دانسته‌اند.

همچنین نفعه مطرح در آیه ۸۷ سوره نمل غیر از نفعه اماته است؛ زیرا پیامدهای این نفعه با پیامدهای نفعه اماته متفاوت است. چرا که از یک سو به دنبال نفع صور فزع افراد همچنان زنده هستند و ماجراها را درک می‌کنند و تنها در حالت فزع و خوف قرار می‌گیرند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۸۰/۱۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۹۹/۱۵؛ از سوی دیگر طبق این آیه شریفه اهل آسمانها و زمین به دنبال به فزع درآمدن با حالت خواری بر پروردگار وارد می‌شوند؛ «كُلُّ أُمَّةٍ دَاخِرِينَ» که نشان می‌دهد بعد از این نفعه افراد حضور دارند و رفتار انجام می‌دهند که این نیز با شرایط بعد از نفعه اماته یعنی حالت موت سازگاری ندارد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۴۱/۱۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۰۰/۱۵).

۴. «فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ» (مرسلات/۸)، «وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ» (تکویر/۲)، «وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَثَرَتْ» (انفطار/۲)، «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» (انبیاء/۱۰۴).

۵. «يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ» (ق/۴۴)

۶. «اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ» (قمر/۱).

ابوالفتوح رازی نیز که از جمله مفسران قائل به وجود سه نفع صور است در تفسیر خود بعد از ذکر روایتی از رسول الله صلی الله علیه واله وسلم در این مورد به متمایز بودن پیامدهای این سه نفعه اشاره می‌کند: «به یک نفعه بترسند و به دیگری بمیرند و سه دیگر زنده شوند» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۶/۱۵۸).

علامه طباطبایی نیز بعد از مطرح کردن اقوال پیرامون نفع صور مطرح شده در آیه ۸۷ سوره نمل، هیچ‌کدام از ادله مطرح شده از سوی مفسران را مبنی بر اینکه این نفع صور، نفع صور اماته یا نفع صور احیاء باشد نپذیرفته است و محتمل دانسته است که مراد از نفع صور در این آیه مطلق نفع صور باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۰۰/۱۵؛ طبرسی (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۷۰/۷)، سورآبادی (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۷۹/۳)، آلوسی (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۴۱/۱۰) و مراغی (مراغی، بی‌تا: ۲۴/۲۰) نیز در تفسیر خود این نفعه را نفعه اماته ندانسته‌اند.

برخی از مفسران نفع صور مطرح شده در آیه ۸۷ سوره نمل را به عنوان نفعه‌ای مستقل در کنار دو نفع صور مطرح شده در آیه ۶۸ سوره زمر برشمرده‌اند و بنابراین قائل به تحقق سه نفع صور قبل از برپایی قیامت شده‌اند؛ نفعه فزع، نفعه اماته (صعق) و نفعه احیاء (قیام) (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۴۷۶/۲۷؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۱۲۹/۵؛ قمی، ۱۳۶۸: ۵۹۸/۹). میبیدی این قول را به اکثر مفسران نسبت می‌دهد (میبیدی، ۱۳۷۱: ۴۳۶/۸). آلوسی نیز ابن عربی را بر این قول می‌داند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۴۱/۱۰).

در منابع روایی نیز از این نفعه به عنوان نفعه‌ای مستقل و تحت عنوان «نفعه فزع» در کنار دو نفعه

صعق و قیام یاد شده است. دیلمی در *ارشاد القلوب* به روایتی از امام سجاد علیه السلام اشاره می‌کند که ایشان ضمن توصیف حوادثی که بعد از هر نفخ صور رخ خواهد داد، سه نفخ صور را بر می‌شمرند: «فی الصور ثلاث نفخات نفخة الفزع و نفخة الموت و نفخة البعث» و نفخه مطرح شده در آیه ۸۷ سوره نمل را نفخه فزع می‌داند (دیلمی، ۱۴۱۲: ۵۳/۱).

#### جایگاه زمانی نفخه فزع

مفسرانی که قائل به دو نفخه هستند با توجه به آیه ۶۸ سوره زمر، نفخه اماته را قبل از نفخه احیاء می‌دانند که این ترتیب با توجه به صراحت این آیه به روشنی قابل نتیجه‌گیری است؛ اما در مورد جایگاه زمانی نفخه فزع نسبت به دو نفخه دیگر در میان آثار تفسیری بحث استدلالی کمتر به چشم می‌خورد. اندلسی در تفسیر خود با بیان استدلالی نفخه فزع را قبل از دو نفخه دیگر دانسته و تأکید کرده که این نفخه در دنیا محقق خواهد شد؛ «با توجه به اینکه بعد از نفخه فزع نظام آسمان‌ها و زمین بر جای خود برقرار است، این نفخه قبل از نفخه احیاء خواهد بود و با توجه به اینکه افراد در زمان این نفخه در حالت ادراک و زندگی هستند، این نفخه باید قبل از نفخه اماته باشد؛ بنابراین زمان وقوع نفخه فزع و پیامدهای عظیم آنکه در تمام پهنه آسمان‌ها و زمین گسترده است، قبل از دو نشئه بین النفختین و قیامت و در دنیا خواهد بود» (اندلسی، ۱۴۲۰: ۲۷۱/۸). شیبانی این قول را به ابن عباس نسبت داده است (شیبانی، ۱۴۱۳: ۱۳۳/۴). برخی دیگر از مفسرانی که قائل به سه نفخه هستند با توجه به قرائن موجود در آیات مربوط، نفخه فزع را قبل از دو نفخه اماته و احیاء

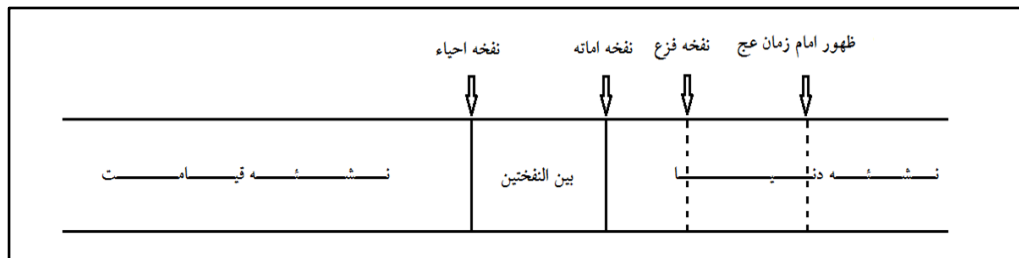
می‌دانند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۴۷۶/۲۷؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۱۲۹/۵).

توجه به آیه ۸۷ سوره نمل شرایط پسینی نفخه فزع را روشن می‌گرداند؛ مطابق این آیه به دنبال نفخه فزع، تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، در حالت خوف قرار می‌گیرند و با خواری در پیشگاه الهی حاضر می‌شوند. از آنجاکه این موضوع بلافاصله بعد از نفخ صور فزع در آیه ذکر شده است، می‌توان آن را اصلی‌ترین تحولی دانست که به دنبال این نفخه حاصل می‌شود؛ بنابراین پیش‌از این نفخه پهنه آسمان‌ها و زمین شاهد طغیان و رویارویی جبهه باطل در برابر جبهه حق خواهد بود و بعد از آن، در سراسر پهنه آسمان‌ها و زمین هیچ طغیان و سرکشی‌ای از سوی جبهه باطل در برابر جبهه حق صورت نخواهد گرفت و همگان در برابر خداوند با حالت خضوع قرار خواهند گرفت. حال سؤال اساسی آن است که این رخداد در کدام یک از مقاطع زمانی آینده امکان تحقق دارد؟

بررسی آیات و روایاتی که به ترسیم صحنه‌های قبل از ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه می‌پردازند، نشان می‌دهد که با نزدیک شدن به ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه و شروع دوران آخرالزمان، شرور و فتنه‌ها در دنیا بسیار گسترش می‌یابد. تا جایی که زمین پر از ظلم و جور می‌شود و جنگ‌هایی بین جبهه حق و باطل درمی‌گیرد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۸/۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۶۰). بر این اساس این موضوع پیش از ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه امکان تحقق نخواهد داشت چرا که قرار گرفتن در حالت خواری با سرکشی و طغیان جبهه باطل همخوانی ندارد. از طرفی به دنبال ظهور ایشان نیز جنگ‌های بین جبهه حق و باطل ادامه

جبهه باطل در تمام فضای آسمان‌ها و زمین محقق خواهد شد. در شکل شماره ۳ جایگاه زمانی سه نفخ صور «فزع، اماته و احیاء» نشان داده شده است.

می‌یابد (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸۵-۲۸۳)؛ بنابراین نفخه فزع بعد از ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه انجام خواهد گرفت و به دنبال آن پیروزی جبهه حق بر



شکل ۳. تصویر جایگاه زمانی نفخه‌های صور با توجه به آیه ۶۸ سوره زمر و آیه ۸۷ سوره نمل

الأجداتِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۸۰/۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۸/۱۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۵۸/۱۶؛ صدر المتألهین، ۱۳۶۶: ۱۵۹/۵؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۷۵۳/۳)

۴. آیه ۲۰ سوره ق: ﴿وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعْدِ﴾ (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۴۹/۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۳۲/۱۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۶۹/۱۸؛ مراغی، بی‌تا: ۱۶۲/۲۶)

۵. آیه ۱۸ سوره نباء: ﴿يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾ (طوسی، بی‌تا: ۲۴۳/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۴۲۷/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۳۴۰/۱۹؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۶۹۰/۴؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۴۱۴/۳)

۶. آیه ۹۹ سوره کهف: ﴿وَوَرَّكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا﴾ (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۶۷/۱۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۴۳/۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۴۳/۱۳؛ محلی، سیوطی ۱۴۱۶: ۳۰۷؛ مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۹۰/۱۳)

در جدول ۱ دیدگاه‌های مفسران پیرامون نفخ صور مطرح در این شش آیه، نمایش داده شده است.

نفخ صور در سایر آیات قرآن کریم

علاوه بر دو آیه شریفه ۶۸ سوره زمر و ۸۷ سوره نمل، نفخ صور در آیات دیگری از قرآن نیز عنوان گردیده است. با توجه به پیامدهای مطرح شده برای هر نفخ صور در این آیات، مفسران هرکدام از این نفخه‌ها را به یکی از سه نفخه فزع، اماته و احیاء نسبت داده‌اند. در این میان بسیاری از تفاسیر نفخه احیاء را نفخه مورد اشاره در آیات ذیل دانسته‌اند:

۱. آیه ۷۳ سوره انعام: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ يَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ (عاملی، ۱۴۱۳: ۴۲۶/۱؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ۲۰۶/۱؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۳۹۶/۳؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۲۵۷/۷؛ محلی، سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۳۹/۱)

۲. آیه ۱۰۲ سوره طه: ﴿يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا﴾ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۷/۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۹/۱۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸:

۱۸۷/۱۳؛ محلی، سیوطی، ۱۴۱۶: ۳۲۲)

۳. آیه ۵۱ سوره یس: ﴿وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ

جدول ۱. مفسرانی که نفع صور مطرح در آیات شش گانه را نفعه احیاء دانسته‌اند.

آیه	مفسران
انعام/۷۳	محلی و سیوطی، عاملی، ابن عربی، میبیدی، زحیلی
طه/۱۰۲	محلی و سیوطی، طبرسی، طباطبایی، ابوالفتوح رازی
یس/۵۱	طبرسی، طباطبایی، ابوالفتوح رازی، صدر المتالین، شریف لاهیجی
ق/۲۰	طباطبایی، مکارم شیرازی، ابوالفتوح رازی، مراغی
نبأ/۱۸	طوسی، طبرسی، مکارم شیرازی، شریف لاهیجی، عاملی
کهف/۹۹	طباطبایی، عیاشی، ابوالفتوح رازی، محلی و سیوطی، مصطفوی

۱۴۲۰: ۵۸۴/۷؛ طبری، ۱۴۱۲: ۴۲/۱۸) بعضی از مفسران نیز این نفعه را یکی از دو نفعه اماته یا احیاء دانسته‌اند. بدون آنکه یکی از این دو را برگزینند (عاملی، ۱۴۱۳: ۳۶۹/۲؛ محلی، سیوطی، ۱۴۱۶: ۳۵۱/۱) در جدول شماره ۲ دیدگاه مفسران پیرامون نفع صور مطرح آیه ۱۰۱ سوره مؤمنون نمایش داده شده است.

غالب مفسران نفع صور مطرح شده در آیه ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾ (مؤمنون/۱۰۱) را نیز نفعه احیاء دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۱۰/۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۹/۱۵؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۰۵/۱۸) جز آنکه به ابن عباس نسبت داده می‌شود که او این نفعه را نفعه اماته می‌دانسته است (طوسی، بی‌تا: ۳۹۶/۷؛ اندلسی،

جدول ۲. دیدگاه مفسران پیرامون نفع صور مطرح در آیه ۱۰۱ سوره مؤمنون

مفسران	نفعه احیاء	نفعه اماته	یکی از دو نفعه احیاء یا اماته
طبرسی، طباطبایی، مکارم شیرازی، فیض کاشانی، شریف لاهیجی، مراغی، زحیلی	نفعه احیاء	نفعه اماته	یکی از دو نفعه احیاء یا اماته
		ابن عباس	عاملی، محلی و سیوطی

مفسران پرداخته و خودرایی برنگزیده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۲۰/۱۰) اما در *جوامع الجامع* این نفعه را نفعه اماته دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۴۸/۴) علاوه بر او مفسران دیگری نیز در بین شیعیان (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۸۳/۱۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۱۹/۵؛ شریف لاهیجی،

در مورد آیات ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ﴾ و ﴿حُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً﴾ (حاقه/۱۳-۱۴) نیز دیدگاه مفسران متفاوت است. شیخ طوسی این نفعه را نفعه اماته دانسته است (طوسی، بی‌تا: ۹۸/۱۰) طبرسی اگر چه در *مجمع البیان* تنها به ذکر اختلاف نظر بین

بعضی از مفسران نیز نفخه مطرح شده در این آیات را یکی از دو نفخه اماته یا احیاء دانسته‌اند بدون آن‌که یکی از این دو را برگزینند (شیبانی، ۱۴۱۳: ۲۳۱/۵؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۳۵۹/۳). در جدول شماره ۳ دیدگاه این مفسران پیرامون نفخ صور مطرح در این آیات نمایش داده شده است.

۱۳۷۳: ۶۲/۴) و اهل سنت (مراغی، بی‌تا: ۵۴/۲۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳۷/۲۹) این نفخه را نفخه اماته دانسته‌اند؛ اما از سوی دیگر برخی از مفسران این نفخه را نفخه احیاء دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۹۷/۱۹؛ محلی، سیوطی، ۱۴۱۶: ۵۷۰/۱). صاحب تفسیر البحر المحیط این نفخه را نفخه فزع دانسته است (اندلسی، ۱۴۲۰: ۲۵۷/۱۰).

جدول شماره ۳. دیدگاه مفسران پیرامون نفخ صور مطرح در آیه ۱۳ سوره حاقه

یکی از دو نفخه احیاء یا اماته	نفخه فزع	نفخه احیاء	نفخه اماته	
شیبانی، عاملی	اندلسی	طباطبایی، محلی و سیوطی	طوسی، طبرسی، ابوالفتوح رازی، مکارم شیرازی، فیض کاشانی، شریف لاهیجی، مراغی، طبری	مفسران

عظیم در پهنه‌ای گسترده در میان مخلوقات صورت می‌گیرد؛ اما از میان رفتن بخشی از روایات به‌عنوان قرائن فهم آیات قرآن، وحدت سنخیت وقایع پیش رو و گوناگون بودن پیامدهای برشمرده شده برای هر نفخ صور در قرآن کریم، خاستگاه ایجاد دیدگاه‌های متفاوت میان مفسران بر سر تعداد، زمان و ترتیب وقوع نفخه‌های صور شده است. بررسی آیات مربوط به «نفخ صور» در قرآن کریم به‌منظور کشف زمان و ترتیب به وقوع پیوستن این نفخه‌ها بر روی خط سیر زمان، روشن می‌سازد که در قرآن کریم از سه نفخ صور متفاوت با پیامدهای گوناگون در مقاطع زمانی آینده سخن به میان آمده است که به ترتیب زمان وقوع

همان‌طور که این بررسی نشان می‌دهد، بنا بر دلایلی که پیش‌تر به آن اشاره شد، در دیدگاه مفسران بر سر تعداد نفخه‌های صور، زمان و ترتیب وقوع آنها و اینکه هر کدام از آیات کدام یک از مصادیق نفخ صور را توصیف می‌کنند، اختلاف نظرهایی به چشم می‌خورد؛ اما هیچ‌یک از مفسران، مصادیق نفخ صور را خارج از سه نفخ صوری که در این پژوهش به آنها پرداخته شد، نمی‌دانند.

#### بحث و نتیجه‌گیری

در قرآن کریم یازده بار به نفخ صور اشاره شده است. با هر بار دمیده شدن در صور تحولاتی

می‌رسد و برای اهل آسمان‌ها و زمین حالت موت پیش می‌آید و پس از آن با نفخه احیاء مجدداً حیات به آنها بازگردانده شده و برپایی قیامت آغاز می‌گردد و همگان ناظر برپایی قیامت خواهند بود. ویژگی‌های سه نفخ صور در جدول شماره ۴ با هم مقایسه شده‌اند.

عبارت‌اند از: نفخ صور فزع، نفخ صور اماته و نفخ صور احیاء.

با نفخ صور فزع که بعد از ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه و در پایان جنگ‌های جبهه حق و باطل صورت می‌گیرد، پیروزی جبهه حق بر جبهه باطل در تمام فضای آسمان‌ها و زمین محقق خواهد شد. با نفخ صور اماته، نشئه دنیا به پایان

جدول شماره ۴. مقایسه سه نفخ صور

کیفیت پیامدها	پهنه اثرگذاری	زمان وقوع	نفخه
به فزع درآمدن اهل آسمان‌ها و زمین و وارد شدن با خواری بر خداوند (نمل/۸۷)	آسمان‌ها و زمین	بعد از ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه	فزع
به حالت صعق درآمدن اهل آسمان‌ها و زمین (زمر/۶۸)	آسمان‌ها و زمین	در شروع بین‌الفختین	اماته (صعق)
به قیام درآمدن اهل آسمان‌ها و زمین (زمر/۶۸)	عرصه قیامت	در شروع قیامت	احیاء (قیام)

منابع  
 - العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة  
 (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.  
 - اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق).  
 البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دارالفکر.  
 - بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴ ش).  
 البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه بعثة.  
 - حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق). الفصول  
 المهمة فی أصول الأئمة. قم: مؤسسه معارف  
 اسلامی امام رضا.  
 - حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج  
 العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.  
 - حلی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ق). مختصر

منابع  
 - قرآن کریم.  
 - آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی  
 فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب  
 العلمیة.  
 - ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۶۹ق).  
 متشابه القرآن و مختلفه. قم: داربیدار للنشر.  
 - ابن عربی، محی‌الدین (۱۴۲۲ق). تفسیر ابن  
 عربی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.  
 - ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق).  
 روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن.  
 مشهد: پژوهش‌های آستان قدس.

- البصائر. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). *إرشاد القلوب إلى الصواب*. قم: الشریف الرضی.
- راغب أصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۲۲ق). *تفسیر الوسیط*. دمشق: دار الفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دار الکتب العربی.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ق). *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*. بیروت: دارالفکر المعاصر.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد (۱۳۸۰ش). *تفسیر سورآبادی*. تهران: فرهنگ نشر نو.
- شبیبانی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق). *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳ش). *تفسیر شریف لاهیجی*. تهران: دفتر نشر داد.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*. مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.
- طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، علی بن حسین (۱۴۱۳ق). *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*. قم: دار القرآن الکریم.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
- فخرالدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. تهران: الصدر.
- فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. قم: موسسه دار الهجرة.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر قمی*. قم: دار الکتب.
- قمی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ش). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۴۲۳ق). *زبدة التفاسیر*. قم: بنیاد معارف اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.

- محلی، جلال الدین (سیوطی. جلال الدین) (۱۴۱۶ق). *تفسیر الجلالین*. بیروت: مؤسسة النور للمطبوعات.
- مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). *تفسیر المراغی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۰ش). *تفسیر روشن*. تهران: مرکز نشر کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ ق). *تفسیر نمونه*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱ ش). *کشف الأسرار و عدة الأبرار*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبة*. تهران: نشر صدوق.